

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در ادامه بررسی استدلال به طائفه سوم از ادله خاصه بر موسعه، در جلسه گذشته، موثقه عمار ساباطی مورد بررسی قرار گرفت، در پایان بررسی این روایت به این نتیجه رسیدیم که برخلاف مرحوم صاحب جواهر می‌گوییم؛ اگرچه بعضی از روایاتی که روای آنها عمار است از لحاظ الفاظ مضطرب هستند اما این به معنای ردّ مطلق تمامی روایات عمار نیست، تفسیر این روایت بر مبنای ترتیب نمازهای واجب و مستحب و جایگاه نافله، به خوبی با صدر و ذیل روایت سازگار است و در چارچوب قواعد فقهی قرار می‌گیرد، لذا صرف نظر از قول بعضی از اهل مضایقه مبنی بر جواز خواندن نافله فائته قبل از خود فائته، این روایت می‌تواند مستند قول موسعه قرار گیرد.

در ادامه استدلال به اطلاق ادله نوافل نیز برای اثبات موسعه مطرح شد که مرحوم صاحب جواهر فرمود؛ کثرت این روایت موجب ظن متاخم به علم به این اطلاق می‌شود.

استناد به روایات نوم النبی (ص) بر موسعه

در جلسه گذشته استناد به روایات نوم النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اثبات موسعه مطرح شد، این روایات بیان می‌کند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمان صلاة الفجر خواب ماندند و بیداری ایشان تا طلوع خورشید به تأخیر افتاد. پس از بیداری، دستور دادند که از آن مکان دور شوند و ابتدا نافله صبح را به جا آوردند، سپس نماز صبح را به قضای آن ادا کردند.

این روایات دلالت بر این دارد که حتی برای کسی که نماز قضا بر عهده دارد، قضای نافله نیز جایز است و مانعی ندارد، در بررسی این دسته از ادله ابتدا به بیان و بررسی کلام مرحوم شیخ انصاری می‌پردازیم.

کلام مرحوم شیخ انصاری در مورد این روایات

شیخ اعظم انصاری می‌فرماید این روایات از نظر سند و دلالت، مشکلی ندارند؛ به این معنا که نه در اعتبار سندی این روایات اشکالی وجود دارد و نه از نظر دلالت می‌توان ادعا کرد که این روایات دچار اضطراب یا اجمال هستند. مفاد روایت کاملاً روشن و واضح است. تنها اشکالی که ممکن است به این روایات وارد شود، مربوط به قضیه نوم پیامبر است.

الطائفة الثالثة: ما دلّ من الأخبار على جواز النفل أداءً، و قضاء، لمن عليه فائتة.

فمن جملة ذلك: ما استفاد من قصة نوم النبي صلى الله عليه وآله وسلم عن صلاة الصبح حتى طلعت الشمس، فقام فصلّى هو وأصحابه أولاً نافلة الفجر ثمّ صلى الصبح، ولا إشكال في سندها و دلالتها إلا من جهة تضمّنها نوم النبي صلى الله عليه وآله وسلم [1].

مرحوم شیخ در ادامه به بیان عباراتی فقهایی که روایات نوم النبی را پذیرفتند می پردازد و سپس عبارتی از مرحوم علامه و سید بن طاووس به عنوان اشکال به این روایات را مطرح می کند و در پایان نظر خود را بیان می کند.

قائلین به صحت روایات نوم النبی (ص)

مرحوم شیخ ابتدا به بیان عبارات متقدمین از قائلین به صحت این روایات می پردازد. ایشان مرحوم ابن ولید، شیخ صدوق، کلینی، طبرسی، شیخ مفید، شهید اول، شیخ بهایی و والد شیخ بهایی را از جمله کسانی که قائل به صحت روایات نوم النبی هستند می شمارد.

بل في بعضها ما يدلّ على صدور السهو أيضا منه عليه السلام على ما يقوله الصدوق تبعا لشيخه ابن الوليد، بل عن ظاهر الطبرسي في تفسير قوله تعالى: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا نسبة ذلك إلى الإمامية في غير ما يؤدونه عن الله. لكن الظاهر شذوذ هذا القول و مهجورته، خصوصا فيما يتعلّق بفعل المحرّمات و ترك الواجبات.

مرحوم شیخ می فرماید؛ در برخی روایات، موضوع سهو النبی نیز مطرح شده است. مرحوم صدوق، به تبع استادش ابن ولید، معتقد به این دیدگاه بوده و حتی از ظاهر کافی نیز این برداشت می شود که مرحوم کلینی نیز چنین نظری داشته است. صاحب تفسیر مجمع البیان نیز ذیل آیه 67 سوره انعام «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا» به این موضوع اشاره کرده و بیان داشته که مسئله «سهو النبی» در میان امامیه نیز مطرح بوده است، البته با این قید که این سهو تنها در مواردی رخ می دهد که مرتبط با امور جزئی و دنیوی است، نه تبلیغ احکام الهی.

به طور کلی، سهو در تبلیغ احکام الهی برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) ممتنع است؛ اما در امور دنیوی و جزئی، نظیر اشتباه در تشخیص افراد یا مسائل مشابه، سهو امکان پذیر است. به عنوان مثال، ممکن است پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به اشتباه زید را عمرو تصور کنند یا گمان کنند فردی فوت کرده است، درحالی که این گونه نیست.

مرحوم شیخ انصاری در بررسی مسئله سهو النبی بیان می کند که پذیرش این موضوع، حتی در «فی غیر ما يؤدونه من الله» یعنی غیر امور مرتبط با تبلیغ احکام الهی، قولی شاذ و مهجور به نظر می رسد.

نعم قال في الذكرى - بعد ذكر رواية زرارة الدالة على نوم النبي صلى الله عليه وآله وسلم - : إنه لم نقف على رادّ لهذا الخبر من حيث توهم القبح بالعصمة فيه. و ظاهره أنّ قدح مضمونها في العصمة توهم مخالف لما عليه الأصحاب ممّن تعرّض لذكر هذه الروايات.

و يؤيد ما ذكره ما عن رسالة نفي السهو للمفيد قدّس سرّه أنّه قال: لسنا ننكر أن يغلب النوم على الأنبياء صلّى الله عليهم في أوقات الصلاة حتّى يخرج الوقت فيقضوها بعد ذلك، و ليس عليهم في ذلك عيب و لا نقص، لأنّه ليس ينفكّ بشر من غلبة النوم، و لأنّ النائم لا عيب عليه، و ليس كذلك السهو، لأنّه نقص عن الكمال في الإنسان، و هو عيب يخصّ به من اعتراه، و قد يكون من فعل الساهي تارة كما يكون من فعل غيره، و النوم لا يكون إلّا من فعل الله و ليس من مقدور العباد على حال، و لو كان من مقدورهم لم يتعلّق عيب و لا نقص لصاحبه، لعمومه جميع البشر، و ليس كذلك السهو، لأنّه يمكن التحرز منه، و لأنّا وجدنا الحكماء يجتنّبون أن يودعوا أموالهم و أسرارهم من ذوي السهو و النسيان و لا يمنعون من إيداعها ممّن يغلبه النوم أحيانا، كما لا يمنعون من إيداعها ممّن يعرضه الأمراض و الأسقام (انتهى موضع الحاجة). [2]

وی به نقل از شهید در کتاب ذکرى اشاره می کند که شهید، روایت زراره از امام باقر (علیه السلام) درباره نوم النبی را ذکر کرده و تأکید نموده است، هیچ یک از امامیه این روایت را رد نکرده اند؛ چراکه این موضوع قած در عصمت پیامبر نیست. شهید

معتقد است که چون خواب (نوم) نقصی در عصمت محسوب نمی‌شود، روایت مربوط به خواب پیامبر نیز مورد رد قرار نگرفته است.

شهید این نظر را با مؤیداتی تقویت می‌کند، از جمله رساله نفی السهو که برخی آن را از شیخ مفید و برخی دیگر از سید مرتضی می‌دانند. در این رساله، شیخ مفید تصریح می‌کند: «لسنا منكرًا عن يغلب النوم على الانبياء.» یعنی، ما انکار نمی‌کنیم که گاهی خواب بر انبیاء غلبه کند، حتی اگر منجر به خروج وقت نماز شود. او ادامه می‌دهد که انبیاء نمازهای از دست‌رفته را بعداً قضا می‌کنند و این امر هیچ نقص یا عیبی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود.

شیخ مفید دلایل خود را چنین توضیح می‌دهد:

1. غلبه خواب بر بشر امری عمومی است: همه انسان‌ها در معرض غلبه خواب قرار دارند و هیچ‌کس از این قاعده مستثنی نیست.

2. تفاوت میان خواب و سهو: خواب فعل خداوند است و تحت کنترل یا اختیار انسان نیست. بنابراین، نمی‌توان آن را نقص یا عیبی دانست. در مقابل، سهو و اشتباه نقصی در کمال انسانی است و به عنوان عیب محسوب می‌شود، زیرا انسان می‌تواند از آن پیشگیری کند.

شیخ مفید این تمایز را با مثالی روشن‌تر می‌کند؛ افراد عاقل و حکیم اموال خود را نزد کسانی که دچار سهو و نسیان می‌شوند، به امانت نمی‌گذارند؛ اما به کسانی که ممکن است خواب بر آن‌ها غلبه کند، امانت می‌سپارند. این امر مشابه سپردن امانت به افرادی است که بیمار هستند.

در نتیجه، شیخ مفید و شهید در زکری هر دو به تفاوت میان نوم و سهو اشاره کرده‌اند. آنان تأکید دارند که خواب نقص یا عیب محسوب نمی‌شود، درحالی‌که سهو و اشتباه به‌عنوان عیب و نقص تلقی می‌شود.

در مسئله ما غلب الله که سابقاً مورد بررسی قرار گرفت [3]، بیان کردیم که بیشتر درباره افرادی است که بر اثر بیهوشی مدتی نماز نخوانده‌اند، روایات حاکی از آن است که چنین افرادی نیازی به قضا ندارند. در این زمینه، معصوم (ع) فرموده‌اند: «ما غلب الله على العباد فآله أولى بالعتذر.» یعنی، هرآنچه از کنترل انسان خارج باشد، عذری نزد خداوند محسوب می‌شود. با این حال، ادله دیگر نشان می‌دهند که خواب از این قاعده مستثنی است. اگر فردی به‌طور کامل وقت خود را در خواب سپری کند، باید نمازهای خود را قضا کند. این تفاوت، بیانگر تفاوت حکم میان خواب و بیهوشی است.

مرحوم شیخ در ادامه به بیان عبارت مرحوم شیخ بهایی و والد ایشان در قبول روایات نوم النبی می‌پردازد.

و عن شيخنا البهائي - في بعض أجوبة المسائل - ما لفظه: «الرواية المتضمنة لنوم النبي صلى الله عليه وآله وسلم صحيحة السند، و قد تلقاه الأصحاب بالقبول، حتى قال شيخنا في الذكرى: إنه لم يجد لها راداً، فقبول من عدا الصدوق من الأصحاب لها، شاهد صدق على أنهم لا يعدون فوات الصلاة بالنوم سهواً، وإلا لردوها كما ردوا غيرها مما هو صريح في نسبة السهو، و من شدة وثوقهم بها استنبطوا منها أحكاماً كثيرة ذكرتها في حبل المتين، منها: قضاء النافلة، و منها: جواز النافلة لمن عليه فريضة (انتهی).

و عن والده في رسالة مفردة منسوبة إليه: إن الأصحاب تلقوا أخبار نوم النبي صلى الله عليه وآله وسلم بالقبول (انتهی). [4]

شیخ بهائی در برخی از پاسخ‌های مسائل بیان می‌کند؛ روایتی که به مسئله خواب پیامبر اشاره دارد، از لحاظ سند صحیح است و اصحاب آن را تلقی به قبول کرده‌اند. شیخ در ادامه می‌فرماید: «حتی قال شیخنا فی الذکری» و سپس کلام شهید در کتاب ذکری را نقل می‌کند که می‌گوید؛ هیچ یک از اصحاب این روایت را رد نکرده‌اند.

شیخ بهائی از این مسئله نتیجه می‌گیرد که پذیرش این روایت توسط اصحاب، گواه روشنی است بر اینکه آنان فوات نماز به دلیل خواب را مصداقی از سهو نمی‌دانستند، وگرنه همان‌گونه که روایات صریح در نسبت دادن سهو به پیامبر را رد کردند، این روایت را نیز رد می‌کردند. او همچنین اشاره می‌کند که به دلیل شدت وثوق اصحاب به این روایات، احکام متعددی از آن استنباط شده است. شیخ بهائی در کتاب حبل المتین به برخی از این احکام از جمله، جواز قضا کردن نافله و جواز خواندن نافله برای کسی که نماز فائته بر ذمه دارد، اشاره می‌کند.

والد شیخ بهائی نیز در رساله‌ای درباره این موضوع می‌گوید: «إن الاصحاح تلقوا اخبار نوم النبی بالقبول»، یعنی اگرچه سند این روایات صحیح است، اما حتی اگر کسی بخواهد در سند این روایات خدشه‌ای وارد کند، نمی‌تواند آن را رد کند، چراکه اصحاب این روایات را تلقی به قبول کرده‌اند.

نکته استاد در مورد اهمیت قبول روایات توسط فقها در فقه

در بحثی که میان فقها در رابطه با اختلاف نظر در عمل به روایات وجود دارد، چنین استدلال می‌شود که اگر روایتی ضعیف‌السند باشد اما فقها به آن عمل کرده باشند، این عمل ملاک اعتبار قرار می‌گیرد. مبنای این دیدگاه، که از فقیهانی همچون مرحوم فاضل، امام خمینی و مرحوم آیت‌الله بروجرودی نشأت گرفته و ما نیز به آن ملتزم هستیم تأثیر بسیاری در فقه دارد. به نظر می‌رسد این رویکرد یکی از ستون‌های اصلی فقه است که آن را حفظ کرده است.

از کلام والد شیخ بهائی و خود شیخ بهائی می‌توان چنین برداشت کرد که اگر روایتی دارای سند صحیح باشد اما در دلالت آن شبهه‌ای وجود داشته باشد، و در عین حال مشاهده شود که اصحاب این روایت را قبول کرده‌اند، این سبب پذیرش روایت می‌شود.

اما در مساله جبران ضعف دلالت روایت با فهم اصحاب نیز باید به دو نکته اساسی توجه کرد:

1. فهم اصحاب از روایت: اگر اصحاب روایتی را به گونه‌ای معنا کنند که ما قرائنی بر معنای متفاوت آن داشته باشیم، در این صورت فهم اصحاب برای ما حجت نیست.

2. تلقی به قبول در مواجهه با شبهات عقلی و نقلی: اگر مدلول یک روایت با شبهه‌ای عقلی یا نقلی مواجه باشد، تلقی به قبول اصحاب تنها زمانی معتبر است که این شبهات قابل رفع باشند. در غیر این صورت، صرف تلقی به قبول فایده‌ای ندارد.

تأثیر کثرت روایات نوم النبی (ص) بر قبول آنها

شیخ انصاری در ادامه، به تأثیر کثرت روایات بر قبول یا رد یک مسئله پرداخته و چند نکته مهم را مطرح می‌کند.

و حیئنذ نقول: إنه لو لم نقل من جهة كثرة هذه الأخبار بجواز صدور ذلك عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم - وفاقا لظاهر من عرف - لم يثبت بالعقل ولا بالنقل امتناع ذلك عليه، فلا يجوز رد الاستدلال بالأخبار بما لم يثبت امتناعه عقلا ولا نقلا ولا ادعى أحد امتناعه.[5]

1. کثرت اخبار و ایجاد اطمینان: شیخ می‌فرماید اگر تعداد روایات درباره یک مسئله زیاد باشد، این کثرت می‌تواند برای ما ظن

یا اطمینان ایجاد کند که چنین مسئله‌ای واقع شده است. به‌ویژه اگر این روایات هم از طریق منابع عامه و هم خاصه نقل شده باشند، این امر قوت بیشتری به اطمینان می‌دهد. لذا که اگر تنها یک یا دو روایت در یک موضوع وجود داشته باشد، ممکن است احتمال جعل آن مطرح شود، اما وقتی روایات به حد کثرت می‌رسد، این احتمال ضعیف می‌شود و اطمینان به وقوع آن مسئله تقویت می‌گردد.

2. شرط عدم اشکال عقلی یا نقلی: شیخ تأکید می‌کند که حتی اگر هزار روایت در یک موضوع وجود داشته باشد، در صورتی که این موضوع با اشکال عقلی یا نقلی مواجه باشد، نمی‌توان آن را پذیرفت. اما اگر چنین اشکالی وجود نداشته باشد، با وجود کثرت اخبار، نمی‌توان آن را رد کرد و هیچ‌کس مجاز به منع پذیرش آن نخواهد بود.

در نتیجه می‌توان گفت مرحوم شیخ پس از بررسی نظرات فقهایی مانند شهید اول، شیخ مفید، شیخ بهایی و والد شیخ بهایی؛ به این نتیجه می‌رسد که باید بین نوم و سهو تفکیک قائل شد. لذا خواب پیامبر (ص) قاذح در عصمت نیست، مگر اینکه دلیلی بر امتناع عقلی یا نقلی بر چنین امری وجود داشته باشد.

قائلین به عدم صحت روایات نوم النبی (ص)

مرحوم شیخ در ادامه عباراتی از مرحوم علامه، شیخ مفید و سید بن طاووس در منافات این روایات با مقام عصمت پیامبر (ص) می‌آورد.

نعم حکي عن العلامة أنّه قال: - بعد ذكر بعض الأخبار في ذلك - : إنّ حديثهم باطل، لاستحالة صدور ذلك عن النبيّ صلّى الله عليه وآله وسلم.

و عن رسالة نفي السهو المتقدمة - بعد الاعتراف بعدم امتناعه عقلا على ما عرفت - ذكر أنّ الخبر في هذا المعنى من جنس الخبر في السهو و أنّه من الآحاد التي لا توجب علما و لا عملا. [6]

علامه بعد از اینکه برخی از اخبار را آورده است، فرموده که چنین چیزی که پیامبر خوابش ببرد و نمازش قضا بشود، از پیامبر محال است.

همچنین شیخ مفید در رساله نفی و سهو خود می‌فرماید: این نوم امتناع عقلی ندارد، ولی روایاتی که در این خصوص آمده است، به معنای سهو النبی است لذا از موارد اخبار واحدی است که به آنها عمل نمی‌شود.

مرحوم شیخ انصاری در ادامه به عبارت سید بن طاووس در این مورد اشاره می‌کند.

و عن السيد ابن طاووس أنّه - بعد ما ذكر عن بعض طرق العامة أنّ رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم نام هو و أصحابه آخر الليل إلى أن طلعت الشمس، فأول من استيقظ أبو بكر ثم عمر، فكبر عمر تكبيرا عاليا فأيقظ رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم فأمرهم بالارتحال، و سار غير بعيد، فنزل فصلّى الصبح - قال: «انظر أيّها العاقل في وصفهم لعناية الله سبحانه نبيّهم، و أنّه سبحانه لا يصحّ أن ينام، و أنّ جبرئيل عليه السلام ما كان شففته على نبيّهم دون عناية عمر حتّى كان يوقظه الله أو جبرئيل، فإذا نظرت إلى روايتهم عن محمد صلّى الله عليه وآله وسلم أنّه تنام عينه و لا ينام قبله، و تفسيرهم لذلك بأنّ نومه لا يمنعه عن معرفة الأحوال، و نظرت في رواياتهم لوجوب قضاء ما فات عقيب ذكره، ثمّ يذكرون في هذه الرواية أنّه آخر القضاء إلى بعد الارتحال، فإنّه قد نام قلبه حتّى لا يحسّ بخروج الوقت، فكلّ ذلك يشهد بالمناقضة في رواياتهم و مقالاتهم و تكذيب أنفسهم (انتهى). [7]

سید بن طاووس از عامه نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) و اصحاب ایشان در اواخر شب به خواب رفتند تا زمانی که خورشید

طلوع کرد. در این روایت آمده است که نخست ابوبکر بیدار شد و سپس عمر با صدای بلند تکبیر گفت و پیامبر را بیدار کرد. پس از بیداری، پیامبر دستور حرکت دادند و سپس در محلی نه چندان دور، توقف کرده و نماز صبح را اقامه کردند.

سید بن طاووس این نقل را مورد نقد قرار داده و بیان می‌کند که چنین روایتی با عنایت خداوند به پیامبر و مقام والای او ناسازگار است. وی می‌پرسد: چگونه ممکن است که خداوند یا جبرئیل پیامبر را از خواب بیدار نکنند، اما عمر این کار را انجام دهد؟ وی این نکته را نشانه‌ای از تحریف یا دستکاری در روایت می‌داند که جایگاه پیامبر را تضعیف کرده و عنایت الهی را به نوعی در حاشیه قرار داده است.

در ادامه، وی به روایت مشهور «ینام عینه و لا ینام قلبه» اشاره می‌کند که در منابع اهل سنت و شیعه نقل شده است. این روایت نشان می‌دهد که خواب پیامبر (ص)، مانع از ادراکات معنوی و توجه قلبی ایشان به خداوند نمی‌شود. بنابراین، چنین روایتی که پیامبر را دچار غفلت نشان دهد، با این مفهوم ناسازگار است.

سید بن طاووس این روایت عامه را از اساس باطل دانسته و آن را ناقض عصمت و مقام پیامبر اکرم (ص) می‌داند، چرا که پیامبر حتی در خواب نیز ارتباط و آگاهی قلبی خود را از خداوند از دست نمی‌دهد.

نظر مرحوم شیخ انصاری در مورد روایات نوم النبی (ص)

شیخ انصاری در تحلیل مسئله نوم پیامبر یا معصومین بیان می‌کند که اگر خواب موجب ترک واجب شود، این امر نقص محسوب می‌شود، برخلاف خواب معمولی که نقصی ندارد. وی تأکید می‌کند که اگر پیامبر (ص) به گونه‌ای بخوابد که ادای واجب ترک شود، این امر با جایگاه کمال و عصمت پیامبر و معصومین ناسازگار است و روایاتی که بر کمال مطلق ایشان دلالت دارند، چنین نقصی را نفی می‌کنند.

و الإنصاف أن نوم النبي صَلَّى الله عليه وآله وسلم أو أحد المعصومين صلوات الله عليهم عن الواجب - سيما أكد الفرائض - نقص عليهم ينفية ما دلّ من أخبارهم على كمالهم و كمال عناية الله تعالى بهم في تبييدهم من الزلل، بل الظاهر بعد التأمل أن هذا أنقص من سهو النبي صَلَّى الله عليه وآله وسلم عن الركعتين في الصلاة. [8]

وی اظهار می‌دارد که نوم موجب ترک واجب از لحاظ نقصان، از سهو پیامبر در رکعت دوم یک نماز چهار رکعتی، که در برخی روایات نقل شده، پایین‌تر است. به عبارت دیگر، اگر کسی بخوابد و کل فریضه صبح را ترک کند، این نقص شدیدتری است نسبت به اینکه کسی در نماز چهار رکعتی، اشتباهاً پس از دو رکعت سلام دهد.

و ما تقدّم من صاحب رسالة نفي السهو ممنوع، بل العقل و العقلاء يشهدون بكون السهو عن الركعتين في الصلاة أهون من النوم عن فريضة الصبح، و أن هذا النائم أحقّ بالتعبير من ذلك الساهي، بل ذاك لا يستحقّ تعبيراً. و كون نفس السهو نقصاً دون نفس النوم، لا ينافي كون هذا الفرد من النوم أنقص، لكشفه عن تقصير صاحبه و لو في المقدّمات. [9]

شیخ همچنین به استدلال شیخ مفید در رساله نفی السهو که گفته بود خواب نقص نیست اما سهو نقص است، اعتراض می‌کند و می‌فرماید این دیدگاه قابل قبول نیست. بلکه عقل و عقلا گواهی می‌دهند که سهو در دو رکعت نماز، نسبت به خوابیدن و ترک کامل فریضه، قابل قبول‌تر است.

بنابراین، شیخ می‌فرماید که کسی که در خواب واجب را ترک کرده، بیشتر مستحق سرزنش است، در حالی که کسی که در رکعت اشتباه کند، حتی ممکن است تعییری به او وارد نشود.

و بالجملة، فصدور هذا مخالف لما يحصل القطع به من تتبّع متفرقات ما ورد في كمالاتهم و عدم صدور القبائح منهم فعلا و تركا في الصغر و الكبر عمداً أو خطأ.

و لعلّه لذا تنظر في الأخبار بعض المتأخرين - على ما حكى عنهم - منهم: شيخنا البهائي بعد اعترافه بأنّ المستفاد من كلام الشهيد المتقدم عن الذكرى: تجويز الأصحاب لذلك و عرفت أيضا ما عن المنتهى و غيره.

شيخ سپس به یک جمع‌بندی می‌رسد و می‌فرماید؛ این نوع نوم که موجب ترک نماز شود مخالف با قطع و یقین حاصل از تتبع و بررسی روایات متعدد درباره کمالات پیامبر و معصومین است. بر اساس این روایات، قبیح از معصومین، چه در دوران کودکی و چه بزرگسالی، چه عمدی و چه سهوی، صادر نمی‌شود.

شیخ انصاری اشاره می‌کند که همین مسئله باعث شده است که برخی از متأخرین، از جمله شیخ بهائی، به این اخبار اشکال وارد کنند. او نقل می‌کند که شیخ بهائی پس از بیان دیدگاه شهید در کتاب «ذکرى»، این اخبار را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

اللّٰهُمَّ إِلَّا أَنْ يُقَالَ بِإِمَّاكَانِ سَقُوطِ أَداءِ الصَّلَاةِ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتُ لِمَصْلَحَةِ عِلْمِهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ، فَإِنْ اشْتَرَاكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ فِي هَذَا التَّكْلِيفِ الْخَاصِّ لَيْسَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِ أَوْضَحُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمَذْكُورَةِ حَتَّى يُوجِبَ طَرَحُهَا، خُصُوصًا بِمِلَاحِظَةِ بَعْضِ الْقَرَائِنِ الْوَارِدَةِ فِي تِلْكَ الْأَخْبَارِ، مِنْهَا: قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي رِوَايَةِ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ -: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنَامَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَى أَنْ قَالَ: وَ أَسْهَاهُ فِي صَلَاتِهِ فَسَلَّمَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ.. إِلَى أَنْ قَالَ: وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَحْمَةً لِهَذِهِ الْأُمَّةِ، لِئَلَّا يَعْيِّرَ الرَّجُلُ الْمُسْلِمَ إِذَا هُوَ نَامَ عَلَى صَلَاتِهِ أَوْ سَهَا.. الْخَبَرُ» فَتَأَمَّلْ. [10]

شیخ انصاری در ادامه بحث، با مطرح کردن احتمال دیگری سعی در توجیه روایات مربوط به نوم پیامبر دارد. وی می‌فرماید: مگر اینکه گفته شود ممکن است در همان لحظه خاص، وجوب ادای نماز از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ساقط شده باشد. این سقوط به دلیل مصلحتی بوده که تنها خداوند از آن آگاه است. در این حالت، پیامبر در این تکلیف خاص (ادای نماز در آن وقت مشخص) با سایر مکلفین مشترک نبوده است. شیخ بیان می‌کند که دلیل اشتراک پیامبر با سایر افراد در این تکلیف خاص، به قدری روشن و محکم نیست که بتوانیم به واسطه آن، روایات مربوط به نوم را طرح و رد کنیم.

وی ادامه می‌دهد که ممکن است دلیل نقلی قوی‌تر ما را به این سمت سوق دهد که روایات را حفظ کنیم.

شیخ انصاری به روایت سعید اعرج اشاره می‌کند که در آن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنَامَ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَصْحَابَهُ فِي صَلَاتِهِ» یعنی خداوند پیامبر و همراهانش را به خواب برد. این امر نه از روی سهو بوده و نه یک خواب معمولی، بلکه انامه از جانب خداوند بوده است. در ادامه روایت آمده که خداوند این کار به‌عنوان یک رحمت برای امت اسلامی، قرار داد، تا اگر یک فرد مسلمان معمولی نیز بر اثر خواب نماز خود را از دست دهد، این مسئله ننگ و عیب تلقی نشود.

جمع‌بندی نظر شیخ انصاری

در جمع‌بندی نظر شیخ انصاری چند نکته را می‌توان مطرح کرد:

وی ابتدا دیدگاه شیخ مفید را که می‌گوید نوم نقص نیست، رد می‌کند و تأکید دارد که نوم ترک واجب نقص است.

با وجود این، شیخ می‌گوید روایات نقلی فراوانی وجود دارد که نمی‌توان به‌سادگی وقوع این نوم را انکار کرد.

در نهایت، با «اللهم إلا أن يقال» یک احتمال را مطرح می‌کند و می‌گوید ممکن است نوم پیامبر به دلیل مصلحتی الهی بوده باشد و نه به‌عنوان یک امر عادی.

پاورقی

- [1] انصاری، مرتضی بن محمدامین، «رسائل فقهية (انصارى)»، ص 319.
- [2] همان، ص 320.
- [3] درس خارج فقه حضرت استاد، سال 1402
- [4] انصاری، رسائل فقهية (انصارى)، ص 321.
- [5] همان.
- [6] همان.
- [7] همان، ص 322.
- [8] همان.
- [9] همان.
- [10] همان، ص 323.

منابع

انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهية (انصارى)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفكر الإسلامی، 1414.